این صفحه پیام‌ها، متن‌ها، عکس‌نوشت‌ها و خبرهای کوتاه منتشر شده در فضای مجازی را بازنشر می‌دهد. تلاش بر این است که دیدگاه‌ها و نظرات کاربران اندیشمند شبکه‌های اجتماعی در عرصه مکتوب هم دیده شود.

سبوی دوست

اهم مقدمات انتظار فرج توبه و طهارت از گناهان

آیت‌الله بهجت(ره):

ما باید انتظار فرج حضرت غائب عجل‌الله را داشته باشیم و فرجش را فرج عموم بدانیم و در هر وقت و هر حال باید منتظر باشیم؛ ولی آیا می‌شود انتظار فرج آن حضرت را داشته باشیم، بدون مقدمات و تحمل ابتلائاتی که برای اهل ایمان پیش می‌آید؟! با این حال، چه اشکالی دارد که تعجیل فرج آن حضرت را با عافیت بخواهیم؛ یعنی اینکه بخواهیم بیش از این بلاها که تا به حال بر سر مؤمنین آمده، بلای دیگری نبینند؟! در هر حال، باید منتظر فرج باشیم، ولی با مقدمات آن، ولی می‌دانیم که ضعیفیم و طاقت ابتلائات سخت را نداریم؛ بنابراین از خدا بخواهیم که شیعه بعد از این دیگر به ابتلائات بیشتر مبتلا نشود و اهم مقدمات انتظار فرج را که توبه و طهارت از گناهان است، تحصیل کنیم.

منبع: کانال تلگرامی «آیت‌الله بهجت(ره)» به استناد در محضر بهجت، ج۳، ص ۲۸۰

فرقی نداره شن پدر دشمن رو دراره یا موشک

علی بیطرفان در توئیتی به مناسبت سالروز حادثه طبس نوشت: وقتی قرار بر «وَمَا رَمَيتَ إِذْ رَمَيتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ رَمَى» باشه فرقی نداره یه مشت شن و خاک پدر دشمن رو دراره یا موشک بالستیک! برای پیروزی بر مستکبر فقط کافیه در تیم خدا باشی و وظیفت رو درست انجام بدی. باقیش با خدا...

چندبار مسئولیت تأثیر مذاکرات بر زندگی مردم را پذیرفته‌اند؟

جلال رشیدی، نماینده مجلس، با انتشار تصویر فوق در توئیتی نوشت: بیش از سه دهه همین افراد و همین تیم در موضوعات مختلف به‌عنوان مذاکره‌کنندگان ایرانی حاضر شده‌اند. در این سه دهه چند بار نتیجه مذاکرات به نفع مردم بوده است؟ چند بار این آقایان حاضر به پاسخگویی به مردم شده‌اند؟ چند بار مسئولیت تأثیر مذاکرات بر زندگی مردم را پذیرفته‌اند؟

به‌جز چشم‌رنگی‌ها بازهم کشور در دنیا هست!

نازنین طاهری در توئیتی نوشت: با افتتاح سومین گذرگاه مرزی بین ایران و پاکستان حجم مبادلاتمون با این کشور تا ۱/۳ میلیارد دلار افزایش پیدا میکنه! می‌بینید؟ به‌جز چشم رنگیا و بلوندا بازم کشور تو دنیا هست واسه ارتباط و تبادل...

واردات ۱۹۰۰ تن مدادتراش در سال ۹۹

نود اقتصادی با انتشار تصویر فوق نوشت: براساس آمارهای گمرک ایران؛ در ۱۲ماهه سال ۹۹ حدود هزار و ۸۸۵ تن مدادتراش و تیغه آن وارد کشور شده است. طبق آمارهای گمرک، ارزش این میزان واردات حدود ۱۰ میلیون و ۳۹۶ هزار دلار بوده است.

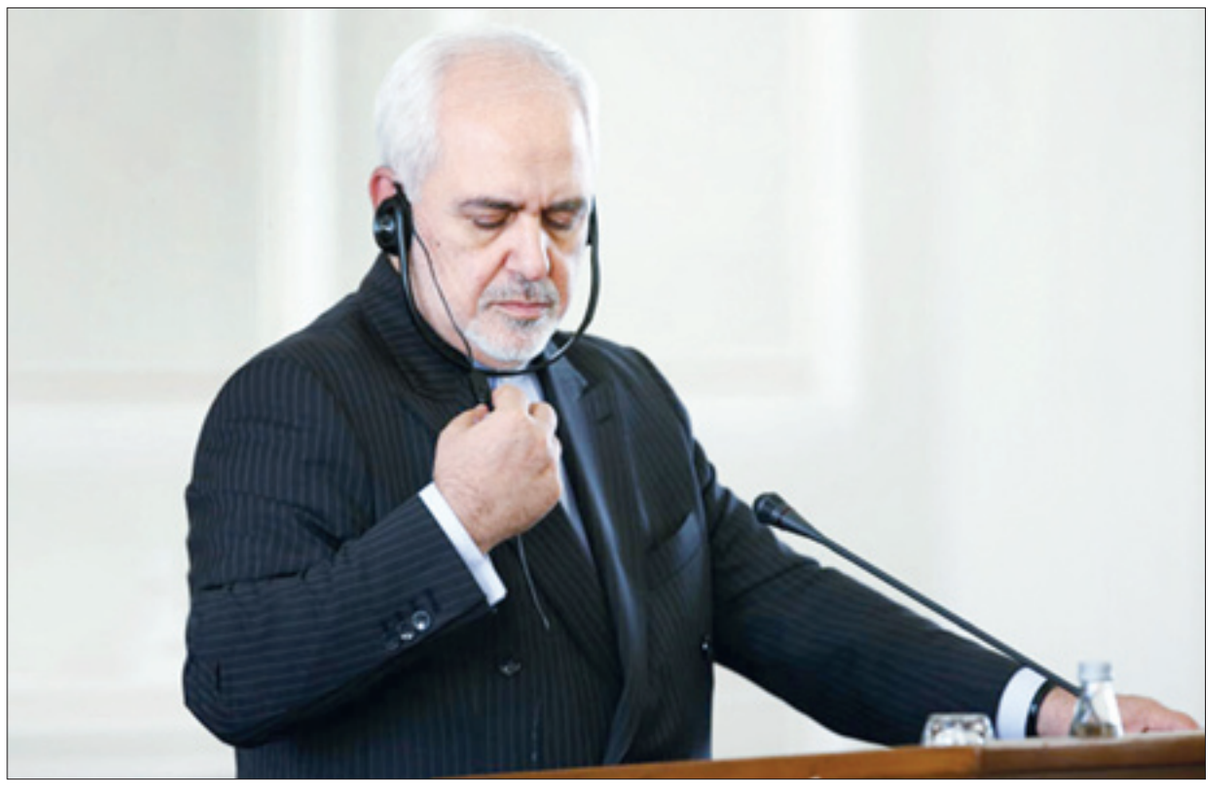

واکنش کاربران شبکه‌های اجتماعی به انتشار فایل مصاحبه وزیر امور خارجه با سعید لیلاز

نقد درونی از آنتن سعودی!

انتشار فایلی صوتی از مصاحبه محمدجواد ظریف با سعید لیلاز و بیان برخی مسائل سیاست خارجی ایران در آن موجی از واکنش‌ها را در شبکه‌های اجتماعی به همراه داشت. کاربران بخش‌های مختلفی از این صوت را با یکدیگر به اشتراک گذاشته و از بیان بعضی مواضع ابراز تعجب کردند، اما می‌توان گفت محور تمامی اعتراضات کاربران شبکه‌های اجتماعی چگونگی لو رفتن این صوت از وزارت خارجه یا مرکز بررسی‌های استراتژیک نظام است. آنها معتقدند شاید برخی حرف‌های بیان شده واقعیات سیاست در ایران هم باشد، اما قطع یقین نباید بدین نحو منتشر شود. در ادامه بخش‌هایی از واکنش‌های کاربران را در این خصوص می‌خوانید.

■ **کیوان ساعدی:**
آقای دکتر ظریف که حرف از «فدا شدن دیپلماسی برای میدان» می‌زند، از مصوبه شورای عالی امنیت ملی به ریاست آقای خاتمی رئیس‌جمهور وقت خبر ندارد که ارگان‌های حاکمیتی در عراق و افغانستان باید با کاجاهماهنگ باشند؟!

■ **عبدالله گنجی:**
۱۶، ۱۷ سال پیش با جمعی دانشجو خدمت رهبر انقلاب رسیدیم. دانشجویی از موضوعی امنیتی سؤالی کرد. رهبری فرمود برخی مسائل را هیچ‌موقع و برای هیچ کسی نباید گفت باید با خود به قبر برد (مضمون) سر درآوردن مصاحبه طبقه‌بندی شده از سعودی اینترنشنال به امثال جنتی و تاجزاده نشان داد گاندو ۳ را می‌توان با مشاورت خود ظریف ساخت.

■ **کیان مهزاد:**
به نظرم هیچ مسئله در صوت ظریف مهم‌تر از چگونگی انتشار صوت نیست. یا نفوذ است یا خیانت یا شیطنت که هر کدام باشد؛ چون پای برخی اسرار نظام در میان است، باید به دقت بررسی شود. البته این صورت مسئله را پاک نمی‌کند که چرا اساساً آقای ظریف باید تن به چنین مصاحبه‌ای بدهد و چنین حرف‌هایی را آن هم در شرایط امروز بیان کند!

■ **کبری آسوپار:**
گاندو که اول تا آخر دروغ بود آقای ظریف، ولی بفرمایید فایل صوتی منتشر نشده پروژه تاریخ‌شفاهی دولت ایران، روی آنتن شبکه سعودی اینترنشنال چه می‌کند؟

■ **محمود صاحبی:**
واقعاً نمی‌فهمم در پرونده تاریخ شفاهی دولت، چرا مجری باید اینقدر پاچه‌خواری ظریف رو بکنه و خودش رو به در و دیوار بزنه که اخلاقاً و مراماً و انصافاً برای نجات ایران، کاندیدای انتخابات بشو... واقعاً ضبط و پخش این فایل صوتی رو خارج از چارچوب انتخابات نباید دید!

■ **مسعود بصیری:**
ظریف گفته، برخی وقت‌ها دیپلماسی فدای میدان شد. کاش تمام دیپلماسی را داده بودید دست فرماندهان میدان. آنها ظرف چند سال کار داعش و عربستان را یکسره کردند، ولی شماها هشت سال ملت را سر کار گذاشتید، تازه رسیدیم به اول سال ۹۲! البته با دلار ۲۴ هزار تومنی و پراید ۱۴۰ میلیونی.

■ **جعفر نعناکار:**
نه‌تنها دیپلماسی، بلکه همه ما فدای میدان خیر عمومی، حلم بورزد و اسیر خشم نشود، اما دونکته: اولا تمرین حلم، فقط در گرماگرم جهاد معنی می‌شود. نمی‌شود در سایه عافیت خزید و درباره حلم سخن گفت. ثانیاً حتی با نگرش اخلاق‌گرا، وقتی قیام کردید، قیام کرده‌اید. به رزم آمده‌اید و نه به بزم. نبرد اخلاقی برای پاسداری از منابع عمومی، نبرد است؛ تعارف نیست. ریاکاری نیست. جهاد است.

می‌توان آرزو کرد ای کاش گروهی بر تصاحب و تخریب منابع عمومی پافشاری نمی‌کردند و نبردی آغاز نمی‌شد، اما واقعیت چیز دیگری است. واقعیت این است همیشه زیاده‌خواهان بر تخریب پافشاری می‌کنند، پس پاسداران خیر عمومی، همیشه به‌عنوان «رزمنده ناگزیر» وادار می‌شوند به رزم ناگزیر.

۵- اما زیاده‌خواهان چه شکلی دارند؟ زیاده‌خواهان یا تخریب‌کنندگان منابع، درست مثل دیگر مردم هستند. باید در پشت همه این صورت‌ها، کشف کرد که رفتارهای همین اشخاص با ظاهر عادی یا صورت موجه، در عمل چه خساراتی به منابع عمومی می‌زند؟ این توانایی کشف، «درایت» است.

۶- پس برای پاسداری، باید اولاً فارغ از همه صورت‌ها و ظواهر، «درایت» کشف پیامد رفتارها را بیابیم، ثانیاً همانطور که نگران مصالح شخصی خودهستیم، «دلسوز» منابع و ذخایر عمومی هم باشیم و ثالثاً «دلیری» تهمت، ترور شخصیت، حتی ترور و کلاً هزینه دادن داشته باشیم.

۷- اگر درایت، دلسوزی و دلیری بورزیم، به درجه پاسداری منابع و خیر عمومی می‌رسیم و حتی شاید با استواری بر چنین زیستی، به درجه رفیع شهادت. اخلاق ورزیدن، نه‌تنها با شهادت سازگار است، بلکه جانمایه شهادت است، اما توجیه‌گری و عافیت‌طلبی کردن، نه‌تنها با اوج شهادت، بلکه حتی با مقدمات پاسداری ناسازگار است.

۸- مباد که کشورمان خالی از پاسداران منابع عمومی شود! مباد که قدر پاسداران منابع عمومی شود! مباد که قدر پاسداران منابع عمومی را نشناسیم!

■ **سیدپویان حسین‌پور:**
محمدعلی ابطحی در کلاب‌هاوس گفت سرقت و انتشار اسناد محرمانه‌ای از جمله صوت ظریف، بین اصلاح‌طلبان جایی ندارد! گفتم واقعیت را تحریف نکنید. مواردی از این دست در اصلاح‌طلبان کم نداریم؛ مثل انتقال فیلم بازجویی قتل‌های زنجیره‌ای از نهاد ریاست جمهوری دولت اصلاحات به تلویزیون‌های معاند!

■ **شعیب بهمن:**
ظریف: «کری باید به من خبر بده ۲۰۰ بار به ما حمله شده در سوریه؟!» این جمله دو معنا دارد: ۱- ساختار وزارت خارجه آنقدر ناکارآمد است که توان ارائه گزارش صحیح از تحولات را به وزیر ندارد. ۲- امریکایی‌ها منبع قابل اعتمادتری برای کسب اطلاعات نادرست هستند.

گزارش

مباد که قدر پاسداران منابع عمومی را نشناسیم!

شهرام حلاج در کانال تلگرامی خود نوشت: چندی پیش، ۱۶ فروردین، دو محیط‌بان دلیر دیگر برای پاسداری از منابع زیستی کشور «به جان زدند» و به شهادت رسیدند. مهدی مجلل و میکائیل هاشمی، برای پاسداری از منطقه استحفاظی‌شان جان خود را فدا کردند، هنگامی که برخی از مامشغول دیده‌بانی منطقه خود بودیم و اما برخی دیگر - حتی برخی مسئولان - می‌گویند: بابا چهارتا مارمولک یا دوتا آهو که اینقدر حرص و جوش ندارد.

۱- کسی که می‌گوید حرص نخور و آسان بگیر، اساساً چه فهمی از ذخایر زیستی کشور و زیست‌کره یا منابع ملی دارد؟ کسی که به پاسداران ذخایر کشور می‌گوید آسان بگیر، اگر اموال و حقوق شخصی خودش را تخریب کنند، آیا وی باز هم همینطور آرام و بی‌خیال تماشا می‌کند و آسان‌گیری تجویز می‌کند؟

۲- مطالعات نشان داده است: اخلاقی و مسئولانه زیستن، نیازمند حداقلی از هوش و درک است. تجارب زیسته‌ام نیز نشان می‌دهد از قضا، آنچه فرصت توجه به مصالح عمومی را از فرد می‌گیرد، معمولاً غرق بودن در مسائل شخصی است. البته در میان واکنش‌های مختلف نسبت به جهاد پاسداران، باید دو نگرش اصلی را از هم بازشناخت: نگرش توجیه‌گرا و نگرش اخلاق‌گرا!

۳- نگرش توجیه‌گرا: نگرشی است که وقتی آسان‌گیری و سکوت تجویز می‌کند، در واقع منظورش توجیه بی‌خیالی خودش در برابر خیر عمومی است. مثلاً ذخایر زیست‌کره را با نگاهی تحقیرآمیز به لفظ «مارمولک» تقلیل می‌دهد تا بی‌عملی خود را توجیه کند. وقتی پاسداران منابع به جان می‌زنند، این نگرش ریشخندشان می‌کند تا سکوت و گریز خود را توجیه کرده باشد.

۴- نگرش اخلاق‌گرا: به پاسداری از خیر عمومی قیام می‌کند و در گرماگرم این قیام، از خلوص نیت و حالات معنوی رزمنده نیز مراقبت می‌کند. نگرش اخلاق‌گرا می‌کوشد که پاسدار

تاجزاده ۹۸، امروز، بعد از انتخابات!

محمد پازوکی در توئیتی با توجه به کاندیدا شدن تاجزاده برای انتخابات ریاست جمهوری ۱۴۰۰ نوشت: تاجزاده (سال ۹۸): رهبری و رئیس جمهوری باید ادغام شود! تاجزاده (الان): برای انتخابات ریاست جمهوری اعلام حضور می‌کنم! تاجزاده (فردا): اگر ردصلاحیتم نمی‌کردند با نسبت آرای بسیار زیاد اینجانب رهبر می‌شدم! #فتنه

خراب شدن پرتقال‌ها هم نتیجه تحریم است؟

محمد نصوحی توئیت کرد: رئیس اتحادیه بارفروشان گفته که بیش از ۳۰ درصد پرتقال‌هایی که توی انبار دولت، دپو شده بود خراب شده! چون که دولت سیب و پرتقال تنظیم بازار رو با قیمت بالاتر عرضه کرده بود و آخرشم روی دستش موند! می‌دونید چند تن بوده؟ ۱۰۰ هزار تن پرتقال! یکی بیاد به من ثابت بکنه اینا همش نتایج تحریمه!

دولت روی پیغام‌گیر است؟!

محمد ایمانی روزنامه‌نگار در کانال تلگرامی خود از بی‌مسئولیتی رئیس دولت انتقاد کرد. چکیده‌ای از یادداشت او را می‌خوانید: روشی که آقای روحانی برای توجیه ناکارآمدی اجزای دولت خود پیشه کرده، کاملاً به ضرر اوست و عجیب اینکه همچنان ادامه می‌دهد. اگر مشکل کمبود یا گرانی گوشت و مرغ و تخم‌مرغ و میوه و روغن و یا آب خوردن و آلودگی هوا پدید می‌آید، آقای روحانی، یک پاسخ ثابت دارد: «به خاطر تحریم است.» این پاسخ به‌قدری یکنواخت و تکراری شده که انگار پیغام‌گیر تلفن در حال پاسخگویی به شماست!

نه روحانی و نه هیچ دولتمرد دیگری، هرگز پاسخ نداده‌اند که توقف روند تولید مسکن با وجود انبوه مهندس و کارگر و تولیدکننده داخلی (و با وجود تقاضای انباشته)، چه ربطی به تحریم دارد؟ و چرا از این ظرفیت تماماً داخلی، برای مهار نقدینگی، ایجاد اشتغال در تیراژ میلیونی، رفع نیاز مردم و مهار مؤثر تورم استفاده نشد؟!

پیشران‌های اقتصادی دیگر مانند بخش‌های کشاورزی، لوازم‌خانگی، خودرو و حوزه‌های دانش‌بنیان نیز وضعیت مشابهی دارند. چرا سالانه باید دهها هزار تن میوه دست باغدار باد کند و بگندد و مدتی بعد، دولت مجبور به واردات برای تنظیم بازار باشد؟ چرا باید ۳۰ هزار تن پرتقال در انبارها بگندد و مردم با قیمت‌های نجومی مواجه باشند؟

چرا به خاطر سوءمدیریت، زمانی باید مرغداران جوجه‌های مازاد را دفن کنند، زمانی دیگر همین جوجه‌ها به خارج قاچاق شود و دولت (و مدیریت ذیربط) زمانی از خواب بیدار شوند که مرغ پر کشیده و نایاب شده است؟

آقای روحانی به ندرت حاضر می‌شود پای درد دل تولیدکنندگان بنشیند و بشنود که بالای ۸۰ درصد علت نابسامانی در تولید و توزیع، سوءمدیریت است؛ مدیریت‌هایی که ضدتسهیل تولید و کسب‌وکار عمل می‌کنند، اما نگاه قبیله‌گرایانه سیاسی، بر نگاه کارشناسی در انتصابشان چربیده است. این روزها بهتر می‌توان سخنان سه سال پیش سعید لیلاز را فهمید. او شهریور ۹۷ به یورو نیوز گفت: «با اختیاراتی که آقای روحانی دارد، اگر چوب خشک به جای او بود، اقتصاد را بهتر مدیریت می‌کرد.» مشکل روحانی، کارنابلدی است؟ غرور و لجاجت و نداشتن شهامت برای اذعان به اشتباه است؟ مشاوران، مشورت غلط می‌دهند؟ نفوذی‌ها، راه تصمیم‌سازی درست را بسته‌اند؟ یا معجونی مسموم از همه اینها؟

چالش ارتباط روشنفکر با دانشگاه

حسن انصاری در کانال تلگرامی خود نوشت: یکی از ایرادات اصلی روشنفکری در ایران این است که با نهاد دانشگاه کمتر نسبتی دارد. بیشتر روشنفکران ما یا تحصیلات آکادمیک در رشته‌های مرتبط با زمینه فکری‌شان ندارند و یا اینکه مساهمتی قابل توجه در فضای آکادمیک و نشر دانشگاهی به معنای واقعی آن ندارند. این یعنی فقدان و یا ضعف اندیشه انتقادی به شیوه‌های آکادمیک. روشنفکری دینی در این میان بیشتر گفتاری است تا نوشتاری. اندیشه تا به شیوه علمی و آکادمیک تدوین نشود، بیان گفتاری آن نمی‌تواند در تحریر محل نزاع‌ها و مفاهمه روشنگری کند و در بهترین حالت تنها چیزی در حد با صدای بلند فکر کردن است.

کارنامه پرزیدنت در زنگ انشاء

دکتر رضا سراج در کانال تلگرامی خود نوشت: انشاء خواندن تنها عملکرد روحانی در دولت یازدهم و دوازدهم است. پرزیدنت هیچگاه در زنگ حساب با مردم حاضر نشد. روحانی در سال ۱۳۹۲ با وعده رفع همه تحریم‌ها آمد. وی در سال ۱۳۹۴ گفت تمام تحریم‌ها بالمره لغو می‌شود. پرزیدنت در سال ۱۳۹۶ اعلام کرد تحریم‌ها برنخواهد گشت و می‌تواند الباقی تحریم‌ها را نیز بردارد. ایشان در سال ۱۳۹۸ گفت آن وعده‌ها برای شرایط صلح بود و الان در شرایط جنگ قرار داریم. نهایتاً پرزیدنت در آخرین انشای خود در ۱۴۰۰ آرزو کرد تحریم‌ها بروند. در انتخابات ۱۴۰۰ مردم باید مراقب امتداد روحانی باشند تا دولت آینده، مجدداً تبدیل به دولت انشاء نشود.

شانه از زیر بار مسئولیت پس نکشید!

مهدی قاسم‌زاده با اشاره به جمله جهانگیری، معاون اول رئیس‌جمهور که گفته بود: «ضرر و زیان کسانی که میوه را به امید گرانی انبار کردند، بر عهده خودشان است!» نوشت: حق با جهانگیری است، اما این موضوع نمی‌تواند نافی کم‌کاری صورت گرفته از سوی دولت در نظارت و کنترل بازار (به منظور عدم شکل‌گیری احتکار و رسیدن میوه با قیمت مناسب به دست مردم) شود؛ البته بماند که ضرر دیدن محتکران نیز نباید مانع از برخورد قضایی با آنها به جرم اخلال در اقتصاد کشور و اسراف شود!

محمدجواد اخوان نیز در این خصوص توئیت کرد: جهانگیری می‌گوید محتکران میوه ضرر کرده‌اند، ضررشان به پای خودشان است. آقای معاون اول! ضرر آب فراوانی که برای این میوه‌ها هزینه شده، ضرر کشاورزهایی که میوه را ارزان به دلال‌ها فروختند و ضرر مردمی که به خاطر گرانی میوه را به سختی تهیه کرده‌اند بر عهده کیست؟

عارفان عجیب

صدیق قطبی در کانال تلگرامی خود با نام «عقل آبی» نوشت: اگر کسی بگوید: «گر آمدنم به خود بدی نامدمی»، احتمالاً بعید بدانیم که اهل عرفان و معنویت است، اما عجیب است که عارفی بزرگ همچون فضیل بن عیاض به کسی رشک می‌برد که هرگز از مادر زاده نشده است: در آخر کار می‌گفت: «از پیغامبرانم رشک نیست که ایشان را هم لحد، هم قیامت، هم صراط، هم دوزخ در پیش است و جمله با کوتاه دستی نفسی نفسی خواهند گفت و از فرشتگان هم رشک نیست که ایشان را خوف از خوف بنی آدم زیادت است و ایشان را درد بنی آدم نیست و هر که را این درد نبود من آن نخواهم. اما از آن کسم رشک آید که هرگز از مادر نخواهد زاد.» (تذکره الاولیاء، به کوشش شفیعی کدکنی، ص ۱۰۳)

فاضل عالم، فضیل آن ابر اشک/ گفت از پیغامبرانم نیست رشک
لیک از آن کس رشکم آید جاودان/ کو نخواهد زاد هرگز در جهان
کاشکی هرگز نزادی مادرم/ تا نکردی کشته نفس کافرم
(مصیبت‌نامه، عطار، به کوشش شفیعی کدکنی، ص ۴۵۴-۴۵۵)

اگر کسی بگوید وضعیت او شبیه کشتی شکستگانی است گرفتار موج‌های دریا که هر یک بر چوب پاره‌ای نشسته‌اند، بعید است گمان کنیم عارف و اهل معناست، اما عجیب است که عارفی چون حسن بصری احوال خود را چنین تصویر می‌کند: «نقل است که کسی از او پرسید که «چگونه‌ای؟» گفت: «چه گونه احوال کسی که در دریا بود و کشتی بشکند و هر کسی بر تخته‌ای بماند؟» گفتند: «صعب.» گفت: «حال من چنان است.» (تذکره الاولیاء، ص ۴۴)

اگر از کسی بپرسند هیچ خدا را می‌شناسی؟ و بگوید: خیر؛ بعید است او را ولی خدا بدانیم، اما عجیب است که عارفی عالیقدر همچون ابوعلی دقاق چنین گفته است. نمی‌شناسمش، اما دوستش دارم. نقل است که یک روز بر سر منبر می‌گفت: «خدا و خدا». کسی گفت: «خواجه! خدا چه باشد؟» گفت: «نمی‌دانم.» گفت: «چون نمی‌دانی چرا می‌گویی؟» گفت: «این نگویم چه گویم؟» (تذکره الاولیاء، ص ۷۰۲)

شیخ ما [ابوسعید ابوالخیر] گفت: استاد ابوعلی دقاق مجلس داشت و گرم شده بود و مردمان خوش شده بودند. مردی گفت «این همه می‌بینم خدای کو؟» استاد ابوعلی گفت: «من نیز هم از این به فریادم.» گفت: «پس ندانی مگو.» گفت: «پس چه گویم؟» (اسرارالتوحید، به کوشش شفیعی کدکنی، ص ۲۵۳)

دوستان خدا نیز گاهی از زندگی به تنگ می‌آیند و آرزو می‌کنند، کاش به دنیا نیامده بودند. دوستان خدا هم گاهی چنان احساس سرگشتگی و بی‌کسی می‌کنند که گویی روی تخته‌ای در محاصره دریایی متلاطم نشسته‌اند. دوستان خدا نیز دچار تردیدها و ندانم‌های بسیارند، اما با وجود همه اینها، خدا را دوست دارند و در این دوستی استقامت می‌ورزند. با وجود تنگدلی، سرگشتگی و تردید.